



مدیریت و فرماندهی نظامی پیامبر اسلام (ص)

محمدعلی خوش طینت^۱

تاریخ پذیرش ۱۴۰۲/۰۸/۱۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۲/۱۲/۲۹

چکیده

اکرم (ص) در نبردهای صدر اسلام است. روش پژوهش تحلیلی- تاریخی و در آن با استفاده منابع کتابخانه‌ای و بررسی اسناد موجود، به تبیین مدیریت نظامی- دفاعی پیامبر اسلام (ص) می‌پردازد. نتایج و یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد حفظ، نشر و اعتلای اسلام، تأمین امنیت حکومت نوپا، حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران، مقابله با تجاوز و تعدی مشرکان و فتنه‌های آنان از مهم‌ترین اصول و اهداف دفاعی ایشان بوده است. به موازات آن، تأسیس تقویت و تجهیز نیروی بازدارنده، مانورهای نظامی، شورا و مشورت، پوشش و پنهان کاری، کسب اطلاعات و خبرگیری، حفظ اسرار نظامی، جنگ روانی، تمرکز قوا و سیستم قلاع متحرک، عملیات پیشدستانه و واکنش سریع برخی از شیوه‌های نظامی ایشان در نبردهای صدر اسلام بوده است. کلیدواژه: پیامبر اسلام (ص)، مدیریت نظامی، راهکنش، الگوی دفاعی.

پیامبر عظیم‌الشان اسلام (ص) در جنگ‌ها نه تنها مستظهر به حمایت‌های الهی و امدادهای غیبی بودند، بلکه خود ایشان نیز با ابداع شیوه‌های نوین دفاعی، نقش مهم و مؤثری در پیروزی‌های صدر اسلام داشتند. ایشان با ترسیم خطوط کلی، اهداف و راهکنش‌ها در نبردهای صدر اسلام، به تبیین سیره جدید نظامی، دفاعی پرداخت که نه تنها حکومت تازه تأسیس اسلام و مسلمانان را از گزند همه‌های مشرکان در امان ساخت، بلکه به الگویی برای نسل‌های بعدی در جوامع مسلمان و حتی غیرمسلمان مبدل شد. هدف اصلی پژوهش بررسی مدیریت و فرماندهی دفاعی - نظامی پیامبر

۱- استادیار گروه معارف دانشکده پزشکی دانشگاه علوم پزشکی آجا، تهران ۲۰۰۱@yahoo.@khoshtinat.com

The military management and command of the Prophet of Islam.

Abstract:

The great Prophet of Islam (PBUH) not only relied on divine protection and supernatural assistance in wars, but he himself also played an important and effective role in the victories of early Islam by inventing new defensive methods. By drawing the general lines, goals, and strategies in the battles of early Islam, he explained a new military and defensive style that not only protected the newly established Islamic state and Muslims from the attacks of the polytheists, but also became a model for future generations in Muslim and even non-Muslim societies. The main objective of the research is to examine the management and military-defensive command of the Prophet of Islam (PBUH) in the battles of early Islam. The research method is analytical-historical, and it explains the military-defensive management of the Prophet of Islam (PBUH) by using library resources and examining existing documents. The results and findings of the research show that preserving, spreading and promoting Islam, ensuring the security of the fledgling government, supporting the oppressed and confronting the arrogant, confronting the aggression and encroachment of the polytheists and their seditions were among their most important principles and defensive goals. In parallel, establishing and strengthening a deterrent force, military maneuvers, council and consultation, cover and concealment, obtaining information and intelligence, preserving military secrets, psychological warfare, concentration of forces and the mobile fortress system, preemptive operations and rapid response were some of their military methods in the battles of early Islam.

Keywords: Prophet of Islam, military management, strategy, defense model

مقدمه:

استفاده می‌کردند؟ آیا پیامبر اسلام (ص) در نبردها الگوی دفاعی داشته‌اند؟ فرضیه موقتی در پاسخ به سؤال پژوهش این است که پیامبر اسلام (ص) دارای اصول معینی در نبردها بوده و از راهکنش‌ها و روش‌های مشخصی برای پیروزی در نبرد استفاده می‌کرده‌اند و با در نظر گرفتن راهکنش‌ها و راهبردهای ایشان در میدان نبرد، می‌توان الگوی دفاعی مشخصی برای ایشان ترسیم کرد.

در خصوص اهمیت و ضرورت این پژوهش بایستی گفت که از راهبردهای دشمنان و نظام استکبار در شرایط کنونی، تحریف اندیشه اسلام ناب و شخصیت‌های بزرگ اسلام از جمله نبی مکرم اسلام (ص) است. یکی از حوزه‌هایی که دشمن در جنگ ترکیبی و شناختی روی آن دست گذاشته و درصدد تحریف آن می‌باشد، واقعیت‌های مرتبط با شخصیت پیامبر (ص) و نیز دلایل و زمینه‌های گسترش اسلام است. در جنگ شناختی، دشمنان پیامبر اسلام (ص) را به‌عنوان شخصیتی جنگجو و گسترش اسلام را به‌زور شمشیر در افکار عمومی القا می‌کنند. یا اینکه، به دنبال این هستند که پیروزی‌های صدر اسلام را صرفاً به امدادهای غیبی نسبت داده و نقش شخصیت و نبوغ نظامی پیامبر اکرم (ص) در طراحی راهکنش‌ها و راهبردهای نظامی در میدان نبرد را زیر سؤال ببرند. انجام این پژوهش می‌تواند با تبیین واقعیات درباره وجود پیامبر گرامی اسلام (ص) و نبوغ و شخصیت ایشان در حوزه نظامی و دفاعی، غبارهای تحریف را از چهره ایشان بزداید. همچنین در شرایط کنونی که کشور از سوی دشمنان نظام دائماً مورد تهدید واقع می‌شود، این پژوهش و راهکنش‌ها و راهبردهایی که نبی مکرم اسلام (ص) در نبردهای صدر اسلام مورد استفاده قرار دادند، می‌تواند برای سیاست‌گذاران، تصمیم‌گیران و تصمیم‌سازان حوزه نظامی و دفاعی مورد استفاده و بهره‌برداری قرار بگیرد.

پیشینه پژوهش

قائدان (۱۳۸۵) در مقاله‌ای با عنوان «مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه‌های نظامی» با پرداختن به زوایای مختلف مدیریتی آن حضرت در محورهای چون؛ مدیریت منابع و نیروی انسانی، مدیریت آموزش،

رسالتی که انبیای الهی بر دوش داشته‌اند، رها کردن انسان‌ها از زنجیره‌های ظلم و ستم ظالمان و مستکبران بوده است. پیامبر اسلام (ص) نیز با این هدف برای الگوی جامع الهی - اخلاقی و تأسیس حکومت مبتنی بر دین، سعی در ایجاد نظمی نوین و حاکمیتی فوق بشری در هیئت دینی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ملت‌ها داشتند. آنچه معمولاً از پیامبر اسلام (ص) و رهبری ایشان در ذهن بسیاری وجود دارد، تصویری تک‌بعدی و عمدتاً معطوف به سیره اخلاقی و تعلیمی آن حضرت است؛ بنابراین، این پندار که ایشان صرفاً رهبری معنوی بوده و باید اسوه حسنه باشد و ابعاد وجودی ایشان را صرفاً باید در تهذیب و هدایت بشریت و دعوت به راه حق و ارشاد و وعظ منحصر دانست، خطایی راهبردی است.

بر این اساس، مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه‌های نظامی و راهکنش و راهبردهای ایشان در میدان نبرد کمتر مورد توجه قرار گرفته است. برخی بر این گمان‌اند که آن حضرت بدون راهبرد و راهکنش مشخص به تأسیس حکومت و دفاع در مقابل دشمنان پرداخت و صرفاً به سبب ایمان و انگیزه‌های معنوی و امدادهای الهی به پیروزی رسید. این امور اگرچه در پیروزی‌های پیامبر اکرم (ص) نقش داشتند، ولی این نوع تحلیل، جامعیت مدیریت پیامبر (ص) را در عرصه‌های نظامی بیان نکرده و نگاهی بسیار سطحی‌نگرانه است؛ بنابراین برخلاف برخی تصورات، اگر پیغمبر اسلام (ص) را به‌عنوان یک فرمانده برجسته و بی‌نظیر معرفی کنیم، راه مبالغه را نپیموده‌ایم و آن حضرت به‌راستی بنیان‌گذار پیشرفته‌ترین و قدرتمندترین دولت‌ها از نظر اصول نظامی و جنبه‌های راهکنشی و راهبردی آن بوده‌اند.

سؤال و مسئله اصلی این پژوهش این است که سیره و مدیریت دفاعی پیامبر اسلام (ص) در جنگ‌ها چه بوده است و آیا ایشان الگوی دفاعی خاصی در نبردهای صدر اسلام داشته‌اند؟ در کنار سؤال اصلی فوق، سؤالات فرعی مطرح می‌شوند که از جمله آن‌ها عبارت‌اند از اینکه؛ مهم‌ترین اصول و اهداف پیامبر (ص) در جنگ‌ها چه بوده است؟ پیامبر اسلام (ص) از چه راهکنش‌هایی و روش‌هایی برای پیروزی در میدان نبرد بر دشمن



ابعاد و روش‌های دفاع غیرعامل در آموزه‌های قرآن کریم و سیره پیامبر (ص) از قبیل اقدام‌های فرهنگی و عملیات روانی، افزایش قدرت نظامی در جبهه اسلام، افزایش میزان بازدارندگی در جبهه دشمن، رعایت اصول مدیریت در شرایط بحران، شناسایی فرصت‌ها و تهدیدها، کاربست طرح فریب دشمن، دوراندیشی و آینده‌نگری و... پرداخته است.

فیروزی و حسینی (۱۳۹۹) در مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی اصل غافلگیری در جنگ‌های پیامبر (ص) و کاربرد آن در عصر امروز» با روش توصیفی تحلیلی و با استناد به منابع کتابخانه‌ای ضمن تبیین اهمیت اصل غافلگیری در جنگ‌های صدر اسلام، به این نتیجه رسیده‌اند که اگر بتوان در شرایط نبرد امروزی که یک نبرد ناهمطراز است، به دکتترین نظامی دشمن به‌طور کامل احاطه داشته باشیم، به‌راحتی می‌توانیم حرکات او را در صحنه نبرد حدس زده و با روش‌های نبرد ناهمطراز و حمله به راهبرد کلی دشمن، وی را به‌طور کامل غافلگیر کرد.

با سیری در پژوهش‌های انجام شده درمی‌یابیم که کار تحقیقاتی که به‌طور کامل راهبردها و راهکنش‌های پیامبر اسلام در نبردها را مورد بررسی قرار دهد، انجام نشده و از این حیث، این پژوهش دارای نوآوری می‌باشد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر تحلیلی-تاریخی می‌باشد و داده‌ها و اطلاعات مورد نیاز نیز با استفاده از منابع کتابخانه‌ای (اسناد و مدارک مکتوب مانند کتب داخلی، مجلات تخصصی و مقالات) و نیز از اطلاعات شبکه جهانی اینترنت فراهم و گردآوری شده است. قلمرو موضوعی و محدوده مطالعاتی تاریخ صدر اسلام از زمان هجرت نبی مکرم اسلام (ص) به مدینه و تشکیل حکومت تا پایان دوران حیات پربرکت ایشان می‌باشد. قلمرو مکانی پژوهش، شبه‌جزیره عربستان و قلمروهای اطراف آن را شامل می‌شود. همچنین محدوده زمانی پژوهش از زمان شروع نبردهای پیامبر (ص) با مشرکان و کفار و مخالفان و معاندان تا سال پایانی حیات نبی مکرم اسلام (ص) را در برمی‌گیرد.

مدیریت سیاسی و راهبرد و مدیریت فرهنگی این نگاه را که آن حضرت بدون هیچ راهبردی و برنامه‌ریزی مشخص به برپایی حکومت پرداخت، با دشمنانش جنگید و صرفاً به‌سبب ایمان و امدادهای غیبی به پیروزی رسید، دگرگون کند.

علیخانی (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل سیاسی جنگ‌های پیامبر اکرم (ص)؛ راهبردی برای امروز» به تبیین ماهیت جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) پرداخته که این مهم از طریق تحلیل شرایط فرهنگی و اجتماعی و فرهنگی زمان پیامبر اکرم (ص)، تحلیل ساختاری و ماهوی جنگ‌های ایشان فراهم آمده است. نویسنده همچنین در بخش دوم به تحلیل جنگ‌های مهم پیامبر (ص) با مشرکان و نیز تحلیل جنگ‌ها و برخوردهای پیامبر اکرم (ص) با یهودیان پرداخته است.

سپهری (۱۳۹۳) در پایان‌نامه‌ای با عنوان «بررسی سیاست نظامی پیامبر اکرم (ص)» تلاش کرده تا نشان دهد که دین اسلام و پیامبر بزرگوار اسلام (ص) هیچ‌گاه به دنبال جذب افراد و گسترش حوزه خود با ابزار زور و قوه قهریه نبوده و همواره از این نکته پرهیز داشته است و بالعکس آن علی‌رغم همه مشقات، پیامبر (ص) در هیچ‌کدام از درگیری‌ها من‌جمله جنگ‌های بدر، احد، خندق و خیبر و... آغازکننده جنگ نبوده و تنها به دفاع از خویش و آئین الهی همت گماشته است.

جعفری (۱۳۹۷) در مقاله‌ای با عنوان «اصول ممنوعه در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی» ضمن تبیین سیره دفاعی پیامبر اسلام (ص) با تشریح دلایل رعایت مسائل انسانی و اخلاقی در درگیری‌های مسلحانه، هشت اصل را به‌عنوان اصول اساسی ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه استخراج کرده است. نتیجه این تحقیق آن است سیره دفاعی پیامبر اعظم (ص) گواهی صادق بر این موضوع است که آن حضرت هیچ‌یک از روش‌های غیرانسانی مرسوم در آن زمان را در نبرد با دشمن بکار نگرفته است.

کرمی (۱۳۹۸) در مقاله‌ای با عنوان «جلوه‌هایی از پدافند غیرعامل در راهبردهای دفاعی قرآن مجید و سیره نبوی» با روش توصیفی تحلیلی، با توجه به دو عامل عمده «فرماندهی هوشمندانه پیامبر اسلام» و «روحیه شهادت‌طلبانه مؤمنان» به تبیین مهم‌ترین

مبانی نظری

راهبرد و راهکنش

واژه «استراتژی» برگرفته از لغت یونانی «استراتژوس» به معنای «فرماندهی» و لغات هم‌خانواده آن نظیر «استراتژوم» به معنای «تدبیر یا عمل فرمانده» و «استراتوس» به معنای «ارتش» است و معادل یونانی کلمه «استراتژی»، واژه «پیستمه» به معنای «دانش فرمانده» یا «استراتگون سوفیا» به معنای «حکمت فرماندهی» است (درویشی سه‌تلائی، ۱۳۹۰: ۸۴). در عرصه نظامی، اصطلاحات «راهبرد» و «راهکنش» به طرح‌های کلان و خردی اطلاق می‌شود که هدف از آن‌ها کسب موفقیت نظامی است. «راهبرد» را می‌توان به‌عنوان یک طرح کلی برای هدایت جنگ و راهکنش را می‌توان طرح‌ریزی ابزارها و شیوه‌های تحقق اهداف راهبردی تعریف کرد. البته عمده نظریه‌پردازان نظامی در ردّ و یا پذیرش این تعریف‌ها و وجه تمایز آن‌ها اتفاق نظر ندارند.

مفهوم «استراتژی» از ابتدای پیدایش، مبتنی بر هنر جنگ بود که ضمن الهام از افکار اندیشمندانی چون گزنفون، وجتیوس و دیگران در یونان باستان، ریشه در افکار سون‌تزو در کتابی با همین عنوان نیز داشت و توسط وی مدون شد. مفهوم «هنر جنگ» تا مدت‌ها در میان نظریه‌پردازان راهبردی و اندیشمندان امور نظامی و حتی سیاسی رواج داشت. کاربرد علمی مفهوم «استراتژی» از قرن هجدهم به بعد رواج یافت و در نتیجه، بهره‌گیری از تجربیات فرماندهان نظامی در جنگ‌های این قرن بود که نخستین بار توسط هنری لوید^۲ در مقدمه‌ای بر کتاب «تاریخ جنگ هفت‌ساله» در قالب تدوین اصول و مفاهیم مربوط به راهبرد نظامی گسترش یافت و بعد از وی هم توسط کلازویتس^۳ مورد تأکید قرار گرفت (خلیلی، ۱۳۹۱: ۱۱۶). کلازویتس با الهام از ماکیاولی، از «راهبرد» به‌عنوان طرح‌ریزی یک جنگ تمام‌عیار و از «راهکنش» به‌عنوان طراحی صحنه عملیات جنگ نام می‌برد. طبق نظریه کلازویتس، استراتژی

نظامی بخشی از یک الگوی سیاسی کلان است که در آن تمامی منابع و امکانات در جهت تحقق اهداف سیاسی جنگ بکار گرفته می‌شود.

در قاموس سیاسی- نظامی کنونی بشر، «راهبرد» از مفهوم عام‌تری نسبت به «راهکنش» برخوردار است. اصول کلی راهبردی از آغاز تا پایان یک عملیات و حتی بر راهکنش پیروزی در عملیات حاکم است. «راهبردی» در گذار تکامل یک عملیات نظامی، یک اصل حاضر و ناظر بر تمام شئون بوده و راهبری مطمئن برای پویندگان راهکنش‌های نظامی است. مشخص کردن هدف و وسعت میدان عمل را در هر عملیات «راهبردی» تعیین می‌کند. بررسی وضع موجود جنگی و پیش‌بینی آینده، برآورد میزان ذخایر مادی و معنوی برای ادامه نبرد، بررسی و برآورد موارد مشابه آن‌ها در نزد دشمن، بررسی موقعیت زمانی و مکانی جنگ، میزان تحرک نیروهای خودی و دشمن، انتخاب بهترین راهکنش برای غلبه بر دشمن، بررسی پیامدهای سیاسی - تبلیغاتی حملات نظامی و شیوه‌های مبارزه با آن و بررسی میزان شرکت نیرو و تجهیزات نظامی در جبهه همگی علامت سؤال‌هایی هستند که «راهبردی» پاسخگوی آن‌ها خواهد بود (بجنوردی، ۱۳۶۲: ۱۸). اما راهکنش فن هدایت و رهبری یک عملیات در جبهه نبرد است و به‌وسیله راهکنش، شکست در جبهه نبرد به دشمن تحمیل می‌شود و بالاخره بهترین و مناسب‌ترین شیوه استفاده از نیرو، تجهیزات و نفر در میدان نبرد را بهترین راهکنش جنگی می‌گویند. آتش و حرکت، تشکیلات و آرایش رزمی و نحوه استفاده از آرایش زمین، مفاهیمی هستند که در عرصه راهکنش قرار می‌گیرند.

مدیریت راهبردی

اگرچه مدیریت سیاسی و راهبرد دو عرصه مدیریتی مستقل و مجزا با وظایف خاصی هستند، اما در عرصه نظامی معمولاً این دو نوع مدیریت به‌عنوان یک مدیریت واحد مورد توجه قرار می‌گیرند. مدیر سیاسی وظیفه ارائه خط‌مشی‌ها، تنظیم سیاست‌ها، برنامه‌ریزی کلان و هدایت و هماهنگی و نظارت بر مدیران سطوح پایین

۲ - Henry Louied

۳ - Clauswitz



راهبردی در امور دفاعی - امنیتی به پیش‌بینی درست و واقع‌بینانه از تهدیدها و تهیه و اجرای موفقیت‌آمیز راهبرد نظامی مقابله با دشمنان منجر می‌شود (دانش‌آشتیانی، ۱۳۸۴).

با ظهور اسلام، انقلاب و تحول جدیدی در راهبردی و راهکنش جنگی به وقوع پیوست که قرن‌ها بعد حتی نوابغ نظامی جهان نیز نتوانستند بر آن چیزی بیفزایند. پیامبر (ص) همواره می‌کوشیدند تا اهداف روشنی برای جنگ و مدیریت خویش تعریف کنند. علل، اهداف و اصول جنگ را برای نیروهای تحت پوشش خود تشریح کنند و پس از آن به ایجاد یک سازمان مقتدر نظامی بپردازند. نادیده گرفتن اصل ایمان به هدف و رسالت مبارزه و همچنین القای عدم وجود یک شیوه جنگی در صدر اسلام و اینکه پیروزی‌ها نتیجه عملیات انتحاری انسان‌های تشنه بهشت و لقاء... بوده است، یک خیانت بزرگ به راهبردی و راهکنش نبردهای صدر اسلام است. گرچه شوق لقاء معبود، عاشق را بی‌محابا به میدان رزم می‌کشد و لذت شهد شهادت او را از زمین‌کنده و به سمت دشمن می‌تازاند، ولی پیروزی جز در سایه نظم و پیروی از یک راهبرد و راهکنش متین امکان‌پذیر نیست. برای تبیین الگوی دفاعی پیامبر (ص) و ترسیم دقیقی از علل، اهداف و دلایل نبردهای صدر اسلام در زمان ایشان و همچنین نحوه و علل پیروزی‌های ایشان در نبردها، به بررسی اصول راهبردی و همچنین راهکنش‌های دفاعی ایشان در جنگ پرداخته می‌شود.

اصول و مبانی مدیریت راهبردی را اگرچه به مفهوم امروزی آن نمی‌توان برای عصر پیامبر (ص) مطرح ساخت، اما نکات نهفته در محورها و زوایای این نوع مدیریت در عصر رسول خدا (ص) و توسط ایشان اعمال می‌شده است. هدف اساسی بعثت رسول خدا (ص) تعلیم و تربیت انسان‌ها برای رسیدن به کمال و قرب الهی بود و عملیات نظامی ایشان، در حقیقت وسیله‌ای برای برداشتن پرده‌ها و موانعی بود که جلوی تابش نور هدایت آسمانی به بشر را می‌گرفتند. پس از آنکه حضرت رسول (ص) در مدینه استقرار یافت، به گسترش دعوت خویش و حمایت از مؤمنان مستضعفی پرداخت که در راه عقیده خود مورد آزار و اذیت قرار گرفته و وادار به ترک دین خود

را بر عهده دارد. مدیریت راهبردی فی‌نفسه به‌عنوان روندی پیوسته و تعاملی است که هدف آن حفظ تناسب و هماهنگی کلیت سازمان با محیط اطراف است. روند مدیریت راهبردی فرایندی پیوسته است که هیچ‌گاه قطع نمی‌شود. این روند در پنج مرحله قابل اجراست که عبارت‌اند از: انجام تحلیل از محیط، تعیین جهت‌گیری سازمانی، تدوین راهبرد سازمانی، اجرای موقعیت، کنترل موقعیت. در عرصه نظامی نیز یک مدیر راهبردی این روندها را باید اجرا کند: در تحلیل محیط، به شناسایی تهدیدها و فرصت‌های کنونی و آینده می‌پردازد که می‌تواند در موفقیت‌های سازمان نظامی مؤثر باشد (سرتوو و پیتر، ۱۳۸۰: ۵۳).

تفکر راهبردی یعنی نگرش سیستمی (ایجاد یک سیستم کامل از ارزش‌ها در ذهن، برقراری ارتباط بین آن‌ها و جامع‌نگری)، تمرکز بر هدف (هدایت کلیه تلاش‌ها در جهت هدف)، فرصت‌جویی هوشمندانه (درک فرصت‌ها و بهره‌برداری صحیح از آن‌ها)، تفکر مستمر در زمان (پیوند گذشته با حال و آینده)، فرضیه‌سازی (خلاقیت) و آزمون فرضیه (تحلیل). تفکر راهبردی در واقع دوراندیشی، جامع‌بینی، آینده‌نگری و روشن‌بینی عمیقی است که به خلق چشم‌انداز، تهیه طرح‌های راهبردی جامع، برنامه‌های دقیق راهبردی، اجرا و هدایت مؤثر و مفید آن‌ها و در نهایت به تأمین منافع راهبردی سازمان منجر خواهد شد (دانش‌آشتیانی، ۱۳۸۴: ۴۵).

در سازمان‌های نظامی و در صحنه‌های جنگ در حالی که حجم عظیم و انبوهی از اخبار و اطلاعات درباره وضعیت دشمن، متغیرهای محیطی و وضعیت نیروهای خودی مرتباً به فرماندهان گزارش می‌شود، قدرت تفکر و داشتن نگرش و بینش راهبردی به آن‌ها کمک می‌کند تا هنگام تصمیم‌گیری به‌درستی تشخیص دهند کدام عامل در دستیابی به موفقیت مؤثر و کدام عامل مؤثر نمی‌باشد. فرماندهان نظامی با تفکر راهبردی در عرصه نبرد قادر خواهند بود حرکات عده‌ها، مانور یکان‌ها (مانور)، جایجایی آتش‌های پشتیبانی و اقلام آمادی را به‌گونه‌ای هدایت، رهبری و از فرصت‌های موجود آن‌چنان بهره‌برداری کنند که با کمترین تلفات، پیروزی‌های بزرگ و درخشانی را نصیب نیروهای خودی نمایند. تفکر

می‌شدند. برای تحقق این امر، چاره‌ای جز جنگ علیه مشرکانی که مؤمنان را هدف آزارهای پیاپی خود قرار می‌دادند، وجود نداشت و گریزی جز آن نبود که کعبه از بت پرستی و بت پرستان نجات یافته و بت‌هایی که در آن قرار گرفته بودند، در هم شکسته شوند. به همین جهت، اذن جهاد تشریح شد.

تحركات نظامی پیامبر (ص) دو گونه بودند: الف- جهاد ابتدایی: روا بودن و مشروعیت این گونه تحركات منوط به وجود رهبری دینی است. اسلام پیام خداوند است و باید به گوش همه جهانیان رسانیده شود و چنانچه اشخاص یا گروه‌ها و دولت‌هایی مانع ابلاغ و گسترش آن گردند، می‌بایست از سر راه مردم جمع‌آوری گردند. ب- تحركات دفاعی: این نوع از تحركات به منظور حفظ قرآن و حکومت اسلامی و جلوگیری از خطر آفرینی‌های کسانی که آیین مقدس را به بازی گرفته و موجودیت آن را تهدید می‌کنند، صورت می‌گیرد (الصفار، ۱۳۸۳: ۴۳).

اصول و اهداف دفاعی پیامبر (ص)

یکی از مسائل مهمی که می‌توان در حیطه مدیریت دفاعی پیامبر (ص) در جنگ‌ها مطرح ساخت، این است که رسول خدا (ص) برای جنگ‌های خود هدف در نظر می‌گرفت و آن را برای فرماندهان و جنگجویانش تبیین و آنان را در آن زمینه توجیه می‌کرد.

از اجزای اساسی مدیریت راهبردی پیامبر (ص) در نبردهای نظامی، طرح و برنامه‌ریزی بود. پیامبر (ص) قبل از آنکه به تدارک لشکر پرداخته و گروه‌ها و دسته‌ها به‌سوی او روی آورند، برای برپایی دولتی جدید در پناه مدینه طرح و برنامه می‌ریخت. رسول خدا (ص) برای انسجام و اتحاد راهبردی با انعقاد پیمان اخوت و برادری میان مردمی که می‌باید به‌عنوان نیروی حامی و نظامی و به‌عنوان جهادگر در برابر فتنه‌ها و تهدیدهای دشمن به مقابله بپردازد، کینه‌های دیرینه مردم شهر را از بین برد و آنان را با یکدیگر متحد ساخت. این اتحاد و برادری، در جنگ‌های بعدی سرمنشأ و موجد پیروزی‌های درخشانی شد. رسول خدا (ص) برای درگیری در سه جبهه یهود، مشرکان و رومیان به طرح و برنامه‌ریزی

پرداخت و با انجام جنگ‌های پیشگیرانه در داخل و مرزهای مجاور مثل تبوک، موه و... امنیت اجتماعی جامعه مسلمین را تضمین کرد. از این رو، نبرد با قبایل و مناطق مختلف تهدیدزا بر اساس برنامه‌ریزی‌های حساب شده دنبال کرد و در نهایت موفق شد با پیروزی‌های عظیم پی در پی قدرت سیاسی و حاکمیت خویش را توسعه بخشد (قاندان، ۱۳۸۵: ۲۴). برخی از مهم‌ترین اهداف و اصول مدیریت دفاعی پیامبر (ص) در جنگ‌ها را می‌توان چنین برشمرد:

۱- حفظ، نشر و اعتلای اسلام: جهاد رسول خدا (ص) نه یک سلطه‌جویی بشری بود و نه کشمکش بر سر خاک و سرزمین و منابع و امکانات، بلکه جنگ و جهاد ایشان فقط در راه احیای فضیلت‌ها و اعتلای حق و سرکوب کردن باطل صورت می‌گرفت؛ به عبارت دیگر، جنگ‌های ایشان در راستای فرایند دعوت الهی او انجام می‌گرفت و کسانی که از آن حضرت تبعیت می‌کردند، در جنگ و صلح نیز اسوه قرار می‌دادند. در واقع، جهاد رسول خدا (ص) منشعب از اصول نبوت ایشان بود که ارزش‌ها و فضایل انسانی انگیزه آن را شکل می‌داد. به همین لحاظ، روزی که سران قریش از ابوطالب خواستند تا از پیامبر (ص) بخواهد که دست از مخالفت با آن‌ها بردارد، رسول خدا فرمود: «از ایشان چیزی نمی‌خواهم جز اینکه یک کلمه بگویند و بدان وسیله بر تمام عرب سیادت یافته و عجم را نیز زیر فرمان خویش آورند و آن کلمه این است که بگویند لا اله الا الله و پس از آن از بت پرستی دست بردارند» (جلیلی، ۱۳۷۴: ۴۴).

نشر و گسترش دین مبین اسلام در برخورد با اهل کتاب با پذیرش اسلام یا پرداخت چیزی بر اساس فرمان خداوند: «قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ» (توبه، ۲۹) و برخورد با مشرکان با تسلیم و پذیرش اسلام و دست برداشتن از شرک صورت می‌گرفت. «وَقَاتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقَاتِلُونَكُمْ كَافَّةً» (توبه، ۳۶) آن حضرت در جای دیگری می‌فرمود: «من مأمور شده‌ام با مردم (مشرکان) بجنگم تا شهادت دهند خدایی جز خدای یکتا نیست و به من و آنچه برای آن آمده‌ام ایمان آورند، پس اگر چنین کردند،



مسلمانان و هم‌پیمانان آنان و تشویق غیرمسلمانان به اسلام یا استفاده از امنیت مسلمانان بود که در برنامه پیامبر (ص) با فرهنگ‌سازی و کار مداوم و مستمر به تحول درونی در مسلمانان دست زدند و به موفقیت‌های زیادی نائل آمدند (شریعتی، ۱۳۸۵: ۸۹).

بدین ترتیب، شهر مقدس مدینه به کانونی نیرومند و استوار مبدل شد که هدف‌های راستین پیامبر (ص) را تحقق می‌بخشید. از آثار تأسیس دولت اسلامی در آن شهر و تحکیم پایه‌های مختلف سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و نظامی، تبدیل شهر به مرکز بسیج و اعزام سپاهیان اسلام و همچنین فرماندهی جنگ‌های گوناگون و اعزام سربازها از آن شهر به مناطق مختلف بود. ۳- حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران: پیامبر اسلام (ص) و همه انبیای الهی پیش از ایشان، خاستگاهی مردمی داشتند. آن‌ها از میان مستضعفان به پا می‌خاستند و در طول دوران زندگی و رسالت خویش، هیچ‌گاه وابسته و اسیر قدرت‌های پوشالی نمی‌شدند. آن‌ها مانند بسیاری از مصلحان دیگر نبودند که برای کسب قدرت در مسیر انجام اصلاحات، خود را وابسته فلان قدرت یا فلان دولت کنند بلکه تنها یک وابستگی داشتند و آن دل‌بستگی به حق بود. مستضعفان صالح، گرامی‌ترین انسان‌ها نزد رسول خدا (ص) بودند. آن حضرت به محرومان عشق می‌ورزید و آنان را بزرگ و عزیز می‌داشت.

از آنجا که تحقق سنت الهی به پیروزی حق بر باطل و چیره‌شدن مستضعفان بر مستکبران می‌انجامد، پیامبران نیز به منظور یاری کردن آن‌ها، سعی در ایجاد نظام الهی مبتنی بر این اصل را داشته‌اند. با این اوصاف، همیشه دو جبهه در برابر هم قرار داشته‌اند: یک جبهه، جبهه یاوران حق و دیگری جبهه یاوران باطل است. در یک‌سو، پیامبران و پیروان آن‌ها و در سوی دیگر، چهره‌های گوناگون استکبار، یاوران شیطان، قدرت‌های بیدادگر سیاسی، اقتصادی و قدرت‌های منحرف مذهبی قرار دارند. به هر حال، لازمه تحقق این رسالت، درگیری با مستکبران است. بنابراین رسول‌الله (ص) همواره در سه بعد عقیدتی، سیاسی و نظامی با مشرکان، کافران

خون و اموال آنان از جانب من به‌حق ایمن خواهد بود و رسیدگی به کار آنان با خداست» (قائدان، ۱۳۸۵: ۲۳).

۲- تأمین حکومت نوپا: نخستین اقدام رسول خدا (ص) برای موفقیت در تشکیل حکومت در نقطه‌ای امن، ایجاد اتحاد راهبردی در بین مردم مدینه از اعراب و یهودیان و سایر ملیت‌ها بود. پس از آن باید به تأمین حکومت تازه تأسیس خود و نیز محل استقرار آن می‌پرداخت. دفع تجاوز دشمنان و ایجاد امنیت مسلمانان از مهم‌ترین اهداف راهبردی رسول خدا (ص) بود. برای این امر، اذن و اجازه الهی نیز کار را تسریع کرد. در شانزدهمین ماه از هجرت، آیاتی نازل شد که به پیامبر اسلام (ص) اجازه می‌داد با مشرکان همان‌گونه که با مسلمانان برخورد می‌کنند، برخورد کند. رسول خدا (ص) در این عرصه به بسیج منابع و امکانات و نیروی نظامی پرداختند آن حضرت ابتدا هسته اولیه بسیج نیروهای داوطلب را از میان مهاجران شکل داد و پس از چندی در جنگ بدر، دومین هسته نظامی، یعنی انصار را به مهاجران ملحق ساخت. آن حضرت در این عرصه برای نخستین جنگ تمام‌عیار یعنی غزوه بدر، ۳۱۳ نفر را بسیج کرد و چند سال بعد این توانمندی را به حد اعلی رساند و در غزوه تبوک موفق شد ۳۰ هزار نیروی نظامی بسیج کند (قائدان، ۱۳۸۵: ۶).

پیامبر (ص) در مکه حکومتی نداشتند تا فرصتی برای اعمال گفتمان امنیتی وجود داشته باشد. در آنجا تنها دفاع از خود و یاران مورد توجه حضرت بوده است. واضح است که پیامبر خدا پس از هجرت به مدینه باید برنامه‌ای را برای حفظ و یا ایجاد امنیت می‌اندیشیدند تا دولت تازه تأسیس خود را از خطرات و تهدیدهای احتمالی دور کنند. با مروری بر تاریخ و سیره دفاعی پیامبر (ص) می‌توان برنامه‌های ایشان در ایجاد امنیت را به کوتاه‌مدت و بلندمدت تقسیم کرد. در برنامه کوتاه‌مدت، هدف حضرت رفع خطرات احتمالی علیه اهالی مدینه و اطراف آن به‌خصوص مسلمانان بوده است. در این برنامه، پیامبر (ص) برنامه‌های عملی و فوری و گاه موقت اجرا کردند که به اتحاد اهل مدینه یا مسلمانان و در نهایت به حفظ امنیت مدینه می‌انجامید. در حالی که برنامه بلندمدت ایشان، با هدف عمق‌بخشیدن به امنیت

نوینی بودند که تا مدت‌ها بعد همچنان الگو و راز و رمز عملیات نظامی مسلمانان و موفقیت‌های چشمگیر آن بود.

آن حضرت در امر بسیج نیروها و امکانات نظامی، برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای کرد. نخستین اقدام ایشان، مشارکت‌دادن انصار در جنگ‌ها بود. از اقدام‌های دیگر آن حضرت، مذاکره با دشمن پس از پایان جنگ یا قبل از آن برای جلوگیری از جنگ و روی آوردن به صلح بود مانند صلح حدیبیه. از دیگر موارد قابل اشاره، برنامه‌ریزی برای تمرکز و تسلط بر راه‌ها و محورهای مهم مواصلاتی و راهبردی در شبه‌جزیره بود. آن حضرت راه‌هایی که برای امدادسانی به لشکر مورد نیاز بود، تأمین و راه‌هایی که برای امدادسانی دشمن بود، قطع و امنیت آن را تهدید و برخی را تصرف می‌کرد. علاوه بر آن، هنگام حضور در جنگ‌ها به تعیین جانشین برای خود در مدینه می‌پرداخت و هیچ‌گاه شهر را از حاکم و جانشین خالی نمی‌گذاشت. از دیگر موارد، می‌توان به قراردادن افراد شایسته و فرماندهان مناسب در جنگ‌ها و موقعیت‌های خاص، حفظ اتحاد و یکپارچگی در میان نیروهای لشکر و مقابله با فتنه‌های داخلی و خنثی‌سازی تلاش‌های منافقان، انضباط در لشکر، تعیین تعداد مورد نیاز بر حسب شرایط جنگی، نظام و سازماندهی نیروها و تعیین مأموریت‌های یکان‌ها اشاره کرد (قائدان، ۱۳۸۵: ۲۴). برخی از راهکنش‌های پیامبر (ص) در جنگ‌ها به شرح زیر بودند.

۱- تأسیس، تجهیز و تقویت نیروی بازدارنده: نیروی بازدارنده با هدف ایجاد رعب و وحشت در دل دشمن برای جلوگیری از وقوع جنگ و پیامدهای آن تشکیل می‌شود. در این زمینه خداوند متعال در سوره انفال می‌فرماید: «وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِنْ قُوَّةٍ وَمِنْ رِبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ عَدُوَّ اللَّهِ وَعَدُوَّكُمْ» (انفال، ۶۰) از آیه مبارکه نتیجه‌گیری می‌شود که مسلمانان باید از هر جهت و هر چه در توان دارند، بکار گیرند و همچنین دولت اسلامی باید حداکثر توان خود را در تأمین بودجه و تجهیزات برای دفاع از خود و ترساندن دشمنان خدا و خود بکار گیرد. بنا به آمار و ارقام، رسول خدا (ص)

و منافقان جهاد می‌کردند. این جهاد در واقع، مقابله با مستکبرانی بود که نمی‌توانستند شاهد آزادی انسان‌ها از اسارت بت‌ها باشند (باقری، ۱۳۸۰، ۶).

۴- مقابله با تجاوز و تعدی مشرکان و فتنه‌ها: از دیگر اهداف راهبردی پیامبر (ص) در جنگ‌ها، مقابله‌به‌مثل و تقابل با تجاوز و تعدی مشرکان بود. اسلام دینی است که صلح و صفا را یکی از پایه‌های شریعت خود به‌شمار می‌آورد. لفظ «سلام» و مشتقات آن در قرآن مکرر یاد شده است. خداوند «سلام» است و بهشت جایگاه سلام است و دین نامش اسلام است؛ بنابراین، زیربنای اساسی در اسلام، همان سلام است و رسالت دینی بر اساس صلح‌طلبی و آرامش است، اما جنگ شرایط ویژه‌ای است که در برخی از زمان‌های خاص به وقوع می‌پیوندد. در دوران‌های نخستین ظهور اسلام، این شرایط بسیار سخت و دشوار بود، زیرا دشمنان مسلمانان قدرتمند بودند و برای ایجاد فتنه و از میان برداشتن اسلام در کمین بودند (احمدالعلی، ۱۳۸۱: ۱۹۸).

در چنین شرایطی بود که خداوند به پیامبرش اجازه مقابله با تجاوز و تعدی مشرکان داد، چنانکه فرمود: «وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَفَاتِلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (بقره، ۱۹۰) در همین راستا، مقابله با فتنه، از دیگر موارد اهداف و اصول راهبردی پیامبر اسلام (ص) در نبردها بود. «فتنه» در آیه‌ای به معنای شرک و کفر مطرح شده است، چنانکه خداوند در قرآن کریم فرمود: «وَقَاتِلُوهُمْ حَتَّى لَا تَكُونَ فِتْنَةً» (انفال، ۳۹) و نیز اینکه فتنه بر اساس آیه شریفه قرآن بالاتر از قتل دانسته شده چنانکه فرمود: «وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ» (بقره، ۱۹۱) پیامبر گرامی اسلام (ص) بسیاری از جنگ‌های خود را مبنی بر این هدف راهبردی قرار داد.

تاکتیک‌ها و روش‌های دفاعی پیامبر (ص)

پیامبر اسلام (ص) بر اساس اصول و اهدافی که مشخص کرده بودند، به ترسیم خطوط راهکنشی و روش خویش در عرصه‌های نبرد می‌پرداخت. راهکنش در حقیقت، روش‌های اجرایی نبرد و نیز فنون و ابزار تحمیل پیروزی بر دشمن در صحنه عملیات می‌باشد و پیامبر گرامی اسلام (ص) در آن شرایط، بنیان‌گذار راهکنش‌های



غارت کرده بود تا سرزمین «بدر» مورد تعقیب قرار داد، اما به او دست نیافت. یا در ماه جمادی الاخر با ۱۵۰ نفر به تعقیب کاروان بازرگانی قریش به سرپرستی ابوسفیان (که از مکه عازم شام بود) پرداخت و این باز نیز به کاروان دسترسی پیدا نکرد و با قبیله «بنی مدلیج» پیمان بست و به مدینه بازگشت (پیشوایی، ۱۳۸۲: ۲۲۱). این گونه حرکت‌های کوچک نظامی را در واقع باید مانورهای نظامی و نوعی قدرت‌نمایی نامید و نه جنگ واقعی.

هدف اساسی از اعزام این دسته‌ها و بستن پیمان‌های نظامی با قبیله‌هایی که در مسیر تجارت مکیان می‌زیستند، آگاه ساختن قریش از قدرت نظامی و نیرومندی مسلمانان بود. هدف از اعزام این هیئت‌ها این بود که قریش بداند شاهراه بازرگانی آن‌ها در دست مسلمانان قرار گرفته است. اگر آنان در لجاجت خود باقی بمانند و از نشر و تبلیغ آیین اسلام جلوگیری و مسلمانان و محیط مکه را اذیت کنند، شریانی‌های حیاتی آن‌ها قطع خواهد شد (سبحانی، ۱۳۷۶: ۴۷۷).

۳- شورا و مشورت: مشورت در سیره دفاعی رسول خدا (ص) از اهمیت و جایگاه ویژه‌ای برخوردار بوده است و موارد متعددی در تاریخ زندگی و دوران مدیریت پیامبر اکرم (ص) وجود دارد که آن حضرت برای تصمیم‌گیری، شورا تشکیل داده و به‌طور جمعی مسئله‌ای را به شورا گذاشته است، یا با اصحاب خود مشورت کرد که به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود: ۱- رسول خدا (ص) در غزوه بدر درباره اصل جنگ، تعیین موضع نبرد و اسیران جنگ با اصحاب خود مشورت کرد؛ ۲- در نبرد احد، پیامبر (ص) شورایی تشکیل داد و در نحوه مقابله با لشکر قریش مشورت کرد، آن‌گاه تصمیم‌گیری کرد؛ ۳- در جنگ احزاب (خندق)، پیامبر (ص) برای مقابله با سپاه عظیم مشرکان، کار را به مشورت گذاشت و بر اساس آن تصمیم گرفت. ۴- هنگام فتح مکه، زمانی که رسول خدا (ص) شنید ابوسفیان به اردوگاه می‌آید، مشورت کرد؛ ۵- در غزوه طائف، پس از محاصره دشمن درباره ماندن و ادامه محاصره مشورت صورت گرفت؛ ۶- در غزوه تبوک، نیز آن حضرت با اصحاب خود مشورت کرد (دلشاد تهرانی، ۱۳۸۳: ۳۸۷). طبق شواهد فوق مشخص می‌شود که

فرماندهی ۲۸ غزوه را شخصاً بر عهده داشتند، اما فقط در چند غزوه (بدر، احد، خندق، بنی قریظه، بنی المصطلق، حنین و طائف) جنگ اتفاق افتاد که این بهترین دلیل بر کارساز بودن نظریه عامل بازننده است.

حضرت رسول اکرم (ص) تأکید زیادی به تجهیز لشکریان به جدیدترین ابزارها و راکن‌های جنگی داشتند، چنانکه حضرت همین که باخبر شد در یمن اسلحه جدیدی ساخته شده، شخصی را برای تهیه آن به یمن فرستاد. یا برای آمادگی امت، مسابقات اسب‌سواری و تیراندازی به راه می‌انداخت و برای آن جایزه تعیین می‌کرد (قرائتی، ۱۳۸۵: ۹۶). همچنین یک بررسی اجمالی نشان می‌دهد که سازمان نظامی در عصر پیامبر (ص)، تحولات چشمگیری داشته و از دو واحد یا رسته به چندین رسته افزایش یافته است. بهترین رسته‌های سازمان سپاه رسول خدا (ص) عبارت بودند از: رسته پیاده‌نظام، سواره‌نظام، منجیق‌اندازان، دیبایون، مهندسی رزم، تدارکات پشتیبانی، خدمات پزشکی و اطلاعات و امنیت (قائدان، ۱۳۸۵: ۳۴-۲۷).

۲- مانورهای نظامی: پیامبر اسلام (ص) برای مقابله با حمله نظامی مشرکان از اواخر سال اول هجرت، هسته اولیه «ارتش اسلامی» را پی‌ریزی کرد. این ارتش در ابتدا، هم از نظر نیروی انسانی و هم از نظر ابزار و ادوات جنگی محدود بود. پیامبر (ص) با همان نیروی اندک دست به یک سلسله حرکت‌های کوچک نظامی زد که در واقع جنگ کامل محسوب نمی‌شوند و در هیچ یک از این مانورها جنگ و درگیری با دشمن پیش نیامد، مانند سریه سی نفری حمزه بن عبدالمطلب (در ماه هشتم هجرت) که کاروان قریش را هنگام بازگشت به مدینه تعقیب کرد و یا سریه شصت نفری عبیده بن حارث که به تعقیب گروه ابوسفیان پرداخت و سریه بیست نفری سعد بن ابی‌وقاص (در ماه نهم هجرت) که به تعقیب کاروان قریش پرداخت، ولی به آن دسترسی پیدا نکرد. همچنین پیامبر (ص) در ماه یازدهم، شخصاً با گروهی از مسلمانان در تعقیب کاروان قریش تا سرزمین ابوا پیش رفت، ولی درگیری پیش نیامد. نیز پیامبر (ص) در ماه ربیع‌الاول، کرزبن جابر فهری را که گله مدینه را

شورا و مشورت یکی از ابزارهای راهکنشی و اتخاذ شیوه و رویه مناسب عملیات راهکنشی پیامبر (ص) در مقابل دشمنان و در جنگ‌ها بوده است.

۴- پوشش و پنهان‌کاری: بخش عمده‌ای از علوم و فنون نظامی و از ضرورت‌های مهم در میدان‌های نبرد در سطوح راهکنشی و راهبردی، خدعه و فریب یا همان پوشش و پنهان‌کاری است. در حقیقت، خدعه فن پوشش و پنهان ساختن حقیقت و انجام کارهای گمراه‌کننده برای منحرف ساختن دشمن از درگیری، مقابله و سایر امکانات و اقدام‌های اساسی است.

رسول خدا (ص) در بسیاری از غزوه‌ها هدف خود را اعلام نمی‌کرد. این عادت معمول حضرت بود که هرگاه عازم غزوه‌ای می‌شد، آن را از دیگران پنهان می‌کرد. این بدان معنی است که پیامبر (ص) می‌خواست فرصت اطلاع‌رسانی را از جاسوسان دشمن، منافقانی که دوستدار دشمنان خدا و رسول بودند و یهودیان، بگیرد. یهودیان از هرگونه تلاش و کوششی در یاری‌رساندن به دشمنان پیامبر (ص) کوتاهی نمی‌کردند و دست‌کم اهتمام می‌ورزیدند تا دشمنان پیامبر (ص) از دست او بگریزند و بر آنان ظفر نیابد (مرتضی عاملی، ۱۳۸۴: ۸۵). نمونه دیگر خدعه، در جنگ خندق اتفاق افتاد که پیامبر (ص) به دو تن از فرماندهان غطفان و اعراب نجد پیام فرستاد و از آنان خواست در مقابل دریافت یک سوم از محصولات مدینه، با او مصالحه کنند. آنان نیز از روی طمع این مصالحه را پذیرفتند. با اینکه این مصالحه بعداً به خاطر عدم پذیرش مردم مدینه صورت نگرفت، بنابراین پیامبر (ص) با این کار اولاً عزم و استواری اصحاب خود و اصحاب دشمن را آزمود، ثانیاً این پیشنهاد و قبایل همراه آنان را گرفتار طمع و آزمندی ساخت و این در حالی است که چون طمع در دل نشیند، عزم و اراده از آن رخت می‌بندد (ابوزهره، ۱۳۷۳: ۶۴۵).

۵- کسب اطلاعات و خبرگیری: پیامبر خدا (ص) همواره برای به‌دست‌آوردن آگاهی‌های قیل از نبرد، برای خنثی کردن اندیشه نبرد یا پی‌بردن به نقشه دشمن و یا برای تقویت صحت تصمیم‌ها به دریافت و دستیابی به همه اخبار و امور مربوط به دشمن فرمان می‌دادند. پیامبر

(ص) برای دستیابی به اطلاعات بیش از سایر امور جنگی در تلاش بودند، زیرا دریافت اطلاعات و معلومات کامل از دشمن به معنای اتخاذ و صدور حکم و فرمان صحیح برای جنگ است. به همین منظور در کنار غزوه‌ها، گاهی سریه‌هایی را نیز به نواحی مختلف اعزام می‌داشتند.

آن حضرت نیروها را به منطقه عملیاتی مورد نظر می‌فرستاد و خود در راه عبور، با تجار و مسافران برخورد کرده و از آنان و ساکنان محلی کسب اطلاعات می‌کرد. بازجویی از اسرا، سکونت دادن نیروهای اطلاعاتی در سرزمین دشمن و بررسی تحرکات و جابجایی‌های آنان در وقت مناسب، از روش‌های دیگر کسب اطلاعات بود. جالب اینجاست که پیامبر (ص) همواره اطلاعات موجود و غیر آشکار را نزد خود محفوظ می‌داشتند. به‌عنوان نمونه پیامبر (ص) در جنگ بدر دو نفر را برای کسب اطلاعات از کاروان تجاری قریش، دو نفر را برای کسب اطلاعات از مقر تمرکز نیروها، دو نفر را برای بررسی تعداد نیروهای دشمن و یک نفر را هم برای کسب اخبار جابجایی دشمن و میزان افزایش نیروهای آن مأموریت دادند. پیامبر (ص) اطلاعاتی که برای ایشان ارسال می‌شد را به‌دقت مورد بررسی، پیرایش و تحلیل عمقی قرار داده و با واقعیت و موقعیت جنگی طرف مقابل خود هماهنگ می‌ساخت. ایشان تلاش زیادی داشت تا اطلاعات به‌صورت بسیار فعال و پویا بوده و با عمل فرمانده و گروه‌های مأمور همراه و هماهنگ باشد، به‌عنوان مثال در جنگ بدر از تعداد ذبیح برای پی‌بردن به تعداد نیروها استفاده کرد. در این میان، خبریاب‌ها عنصری اساسی در تثبیت نتیجه نبرد به‌شمار می‌آمدند، زیرا آن‌ها معلومات و آگاهی کافی و دقیق از دشمن جمع می‌کردند (باقری، ۱۳۸۰: ۱۴-۱۳).

بر این اساس، پیامبر (ص) جاسوسان و مراقبان یا به‌اصطلاح نیروهای اطلاعاتی کارآمد و دلسوز در داخل مدینه و خارج آن انتخاب کرده بودند، مثلاً عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر (ص) و بشیر بن سفیان، کار مراقبت و خبررسانی تا شعاع ۴۰۰ کیلومتری مدینه را به عهده داشتند و در بخش‌های مختلف شبه‌جزیره عربستان و حتی در داخل سرزمین‌های ایران و روم نیز به دستور پیامبر (ص) افرادی متصدی این کار بودند مانند عبدالله بن ابی‌حدرد اسلمی که مسئولیت خبررسانی از



منطقه هوزن را بر عهده داشت. نیز رسول اکرم (ص) برای آگاهی از شرایط و استعداد نظامی دشمنان، گروه‌های گشتی شناسایی به مناطق آن‌ها اعزام می‌داشت که از مشهورترین آن‌ها سربه عبدالله بن جحش می‌باشد و بیشتر اوقات خود آن حضرت شخصاً به این کار می‌پرداخت که نمونه آن در جنگ بدر اتفاق افتاد و علاوه بر همه اینها، اصحاب و یاران و مجاهدان اسلام را به این کار تشویق می‌کرد (الصفار، ۱۳۸۳: ۳۹).

۶- حفظ اسرار نظامی و راهکنش غافل‌گیری:
پیامبر اسلام (ص) این راهکنش را بسیار ماهرانه انجام می‌دادند که نمونه بسیار جالب آن، فتح مکه و تصرف پایگاه مستحکم مشرکان قریش با حداقل تلفات بوده است. طرح حمله چنان پیاده شد که از هنگام آمادگی تا حرکت و رسیدن سپاه اسلام به مکه، کسی نفهمید و حتی داستان نامه خاطب بی‌ابی بلطعه و پیچیدن نامه و پنهان کردن آن در لابلای گیسوان زنی به نام ساره و نیز گزارش به مشرکان و کشف آن توسط امیرمومنان علی (ع) بسیار جالب و خواندنی است. جالب اینکه در یک حمله عمومی و بسیج همگانی عشایر و قبایل به شهر مکه در دوم ماه رمضان سال هشتم هجرت، آن چنان در حفظ اسرار نظامی و اصول غافل‌گیری موفق بود تا نیروی ۱۰ تا ۱۲ هزار نفری تا نزدیک مکه حرکت دهد که قریش، دشمن مجهز و آماده کوچک‌ترین اطلاعاتی به‌دست نیاوردند (حسنی، ۱۳۶۱: ۲۱).

پس از حرکت قریش به سمت نبرد احد، پیامبر (ص) به ابن ابی کعب که اطلاعاتی درباره حرکت، وضعیت و شمار قریش داشت، دستور فرمود که اطلاعات خود را در مورد حرکت قریش پوشیده دارد. هدف حضرت، جلوگیری از جنگ روانی یهودیان و منافقان و گرفتن فرصت هرگونه توطئه احتمالی بر ضد مسلمانان از سوی این دشمنان خطرناک بود. بدین معنی که اعلان زودهنگام حرکت قریش برای جنگ موجب می‌شد تا فرصت کافی برای شناخت طرح و برنامه دفاعی مسلمانان داشته باشند. این فرصت و شناخت به دشمن امکان می‌داد تا اقدام‌های لازم برای شکست طرح دفاعی مسلمانان را فراهم سازند. چنانکه به آنان فرصت می‌داد تا اخبار لازم را برای تصمیم‌گیری قریش گزارش کنند و اطلاعات دقیقی

برای مقابله و شکست طرح دفاعی مسلمانان در اختیار مهاجمان قرار دهند و حداقل زمینه را برای وارد آوردن حداکثر خسارات و تلفات در جبهه مسلمانان فراهم سازند. رسول خدا (ص) در موارد مختلفی به این اصل عمل کرده است: احد، خندق و فتح مکه از نمونه‌های بارزی بود که حضرت اخبار و اطلاعات را سری نگه می‌داشتند (مرتضی عاملی، ۱۳۸۴: ۱۱۹).

۷- استفاده از راهکنش تبلیغات و جنگ روانی:

جنگ روانی به‌عنوان مهم‌ترین جنگ در طرح و برنامه‌ریزی مورد توجه و اقدام پیامبر (ص) بود، حتی آن را محور اقدام نظامی علیه دشمنان قرار داده بود، زیرا آنان را در حالتی از وحشت گذاشته و بر نفوس آنان تسلط می‌یافت و در نتیجه توان مقابله و مقاومت را از آن‌ها می‌گرفت. آن حضرت در مورد این راهکنش چنین فرمودند: «من با ایجاد ترس (در دل دشمن) یاری شده‌ام». نیروهایی که پیامبر (ص) در اختیار داشتند همگی باعث ترس، تصورات و ذهنیت‌های دور از واقع دشمن می‌شدند زیرا اولاً این نیروها مخفی بودند، ثانیاً شکست‌ناپذیر بودند، ثالثاً روح هجومی داشتند، رابعاً روش‌های جدیدی را در جنگ ابداع کرده و بکار می‌بستند. برای مثال در جنگ حمراءالاسد پیامبر (ص) لشکر خود را همراه با مجروحان و ازپافتادگان به حرکت درآورد و فرمان داد آتش زیادی برافروزند تا دشمن تصور کند که لشکر او همچنان دارای قدرت و نیرو است (باقری، ۱۳۸۰: ۱۴).

پیامبر (ص) هرگز در برابر دشمن اظهار عجز نمی‌کرد و روحیه خود را نمی‌باخت و در بدترین شرایط و سخت‌ترین مراحل سعی می‌کرد به یاران و لشکریانش روحیه بدهد و آنان را سرحال و دل‌زنده نگهدارد. به‌عنوان مثال در جنگ احد، در بدترین حالت که خود جراحات سختی برداشته بود و بسیاری از بهترین یارانش شهید شده بودند، در جواب شعار ابوسفیان کوتاهی نکرد و به‌علاوه هنگامی که ابوسفیان و یارانش با غرور پیروزی در موقع حرکت به‌سوی مکه فریاد زدند: «این موعدم که بدر للعام القابل» پیامبر (ص) فرمودند: «نعم، هو بیننا و بینکم موعدم» یعنی ما نیز با کمال میل آماده این رویارویی هستیم (حسنی، ۱۳۶۱: ۲۴).

۸- راهکنش تمرکز قوا و سامانه قلاع متحرک: از شیوه‌هایی که پیامبر (ص) در آرایش جنگی بکار می‌برد، تمرکز قوا در یک نقطه بود به این معنا که یک سپاه اندک را به صورت یک اهرم قدرت، متحرک و بسیار قوی در یک نقطه متمرکز می‌کردند. از همان جا قبل از اینکه دشمن فرصت تنظیم سپاه و مجال ضربه‌زدن را داشته باشد، ضربه را خورده بود و به این ترتیب، در جنگ‌ها اجازه به هم پیوستن سپاه شرک از میان برده می‌شد و هیچ‌گاه این امر در تاریخ‌ها به گواهی متون سیره و مغازی و منابع معتبر تاریخی دیده نشده که قبل از اینکه سپاه شرک خودش را متشکل بکند و بتواند خود را برای ضربه آماده کند، پیامبر (ص) مجال این ضربه و حمله را به او داده باشد.

آرایش جنگی پیامبر (ص) در نوع خود خارق‌العاده و بی‌نظیر بوده است. استفاده پیامبر (ص) از راهکنش «قلاع متحرک» که در یونان به نام روش «فالانز» معروف بوده، یکی از این روش‌ها بوده است. روش «فالانز» استفاده از نیروها به صورت اهرم‌های قدرت و متحرک قلعه‌ای بوده است؛ مثلاً فرض کنید افراد سپاه مقابل هم می‌ایستاد به نحوی که پهلویها بغل هم قرار می‌گرفت، یعنی فرد پهلویش بغل پهلوی دیگری بود. در واقع، روی اینها هر کدام به سوی دشمن بود. اینها می‌توانستند به صورت دایره، مثلث و مستطیل دربیایند. در چنین وضعیتی، دشمن هیچ منفذی برای حمله به داخل این سپاه پیدا نمی‌کرد و سپاه به صورت یک دیوار متحرک حرکت می‌کرد. در جنگ بدر، پیامبر (ص) سپاه را به صورت سه مثلث درآورد که هر مثلث رنگش مشخص بود. یکی زرد بود یعنی بر اساس کلاه‌خودهایشان یا مثل پرهایی که بر کلاه‌خودها نصب کرده بودند، دیگری سبز بود و دیگری با رنگی دیگر. این سه تا به صورت قلاع متحرک از نفوذ دشمن به درون سپاه جلوگیری می‌کرد و هر زمان که به نیروها دستور حمله داده می‌شد، به صورت سه قلعه و سه دیوار متحرک می‌توانست به طور نفوذناپذیر حرکت کند (آرایش جنگی در نبرد بدر و سامانه قلاع متحرک، ۱۳۶۱: ۴۲).

۹- پیش‌دستی در ضربه یا عملیات پیشدستانه:

در نبردهای پیامبر (ص) اساس فرماندهی از قبل مشخص شده بود، مسئله فقط مسئله حمله بود و ضربه پیشدستانه به حریف، راهکنش دیگر نبردهای پیامبر (ص) بود. در بخش اطلاعات پیامبر (ص) همیشه پیش‌دستی می‌کرد، یعنی نخستین حرکت مشکوک را از مکه یا از هر نقطه‌ای از عربستان که می‌خواست علیه اسلام شروع شود، پیامبر (ص) این اطلاعات را به وسیله خبرگیران دریافته بود و قبل از اینکه نخستین حرکت مشکوک بخواهد به وقوع بپیوندد و بتواند به صورت توطئه خودنمایی کند، پیامبر (ص) خودش را آماده کرده بود؛ بنابراین پیش‌دستی چه در قسمت تشکیلات، چه در قسمت اطلاعات و چه عملیات همیشه با پیامبر (ص) بود.

در جنگ بنی‌مصطلق پیامبر (ص) وقتی که از نقشه‌های آنان آگاه شد که نیروهای خود را در نزدیک محلی به نام «مرسیع» جمع کرده‌اند و آماده‌اند و می‌خواهند به مدینه هجوم ببرند و پیامبر (ص) را به قتل برسانند، خود با هزاران نفر مسلمان جنگجو حرکت کرد. در کنار چاهی به نام «مرسیع» نیروهای بنی‌مصطلق را محاصره کردند و نیروهای کمکی آن‌ها فرار کرده و از بنی‌مصطلق ۱۰ تن کشته شدند و از مسلمانان فقط یک نفر. بقیه نیروهای بنی‌مصطلق فرار کرده و جنگ به نفع مسلمانان خاتمه یافت (حسنی، ۱۳۶۱: ۲۲).

۱۰- ایجاد تفرقه در سپاه دشمن: یکی از کارهای سرنوشت‌ساز در جنگ‌های صدر اسلام توسط نبی مکرم اسلام (ص)، ایجاد شکاف و تفرقه در صفوف دشمن بود که پیامبر (ص) در چند مورد آن را به کار بردند، مخصوصاً در جنگ احزاب که همه قوای دشمن و نیروهای قبایل بت‌پرست از خارج مدینه برای یورش به مدینه آماده شده بودند و ستون پنجم دشمن و یهود بنی‌قریظه و بنی‌قینقاع از داخل همکاری می‌کردند و از پشت به مسلمانان خنجر می‌زدند. پیامبر (ص) به وسیله «نعیم بن مسعود» با زیرکی خاصی بین قریش و یهود اختلاف انداخت و «نعیم بن مسعود» تازه‌مسلمان که هنوز اسلام خود را آشکار نساخته بود، توانست نقش خود را به خوبی ایفا کند (حسنی، ۱۳۶۱: ۲۳).

۱۱- مقابله با شایعات: برای پیامبر خدا (ص) تا خبری



پیامبر (ص) علی‌رغم کاربرد راهکنش‌های مختلف جنگی، هیچ‌گاه اصول اخلاقی و انسانی را در جنگ‌ها زیرپا نمی‌گذاشت و به فرماندهانش نیز بر رعایت این اصول توصیه و تأکید زیادی می‌کرد، به‌عنوان مثال پیامبر (ص) از ریختن سم در سرزمین مشرکان جلوگیری می‌کرد. طبق فرموده امام صادق (ع) رسول خدا هرگز به دشمن شبیخون نزد، پیامبر (ص) دستور داد کودکان و زنان را در مناطق جنگی نکشند مگر اینکه زنان دست به اسلحه ببرند، نیرنگ‌ورزی را در نبرد حرام می‌دانست، می‌فرمود در اسلام مستحب است تا ستمگران تا جنگ را آغاز نکرده‌اند، سپاه اسلام آن را شروع نکنند، پیک‌ها را نمی‌کشت گرچه از نظر فکری منحرف بودند، به حضرت علی (ع) فرمود: تا کسی را به اسلام فرانخوانده‌ای با او جنگ مکن، می‌فرمود نه پیک و قاصد را بکشید نه گروگان را، نه انسانی را تکه‌تکه کنید و نه چارپایی را و جز به هنگام ضرورت درختی را قطع نکنید (سیدی، ۱۳۸۵: ۸۳).

نتیجه‌گیری

اهداف، اصول و شیوه‌های دفاعی پیامبر (ص) در نبردهای صدر اسلام نشان داد که نمی‌توان پیروزی‌های ایشان را صرفاً در سایه امدادهای الهی دانست، بلکه مدیریت دفاعی - نظامی پیامبر (ص) نقش مهمی در پیروزی‌های ایشان در صدر اسلام داشت. نبی مکرم اسلام (ص) با تشکیل امت واحد اسلامی و ترسیم اصول، اهداف و نیز شیوه‌های راهکنشی در میدان نبرد، در مقابل تجاوز و تعدی مشرکان ایستادند. اهدافی چون نشر و اعتلای اسلام، تأمین امنیت حکومت تازه تأسیس، حمایت از مستضعفان و مقابله با مستکبران، مقابله با تجاوز و تعدی مشرکان و فتنه‌های آنان از مهم‌ترین اصول مدیریت نظامی - دفاعی ایشان بوده است. به‌موازات آن، تأسیس تقویت و تجهیز نیروی بازدارنده، مانورهای نظامی، شورا و مشورت، استتار و پنهان‌کاری، کسب اطلاعات و خبرگیری، حفظ اسرار نظامی، جنگ روانی، تمرکز قوا و سامانه قلاع متحرک، عملیات پیشدستانه و واکنش سریع برخی از شیوه‌های دفاعی ایشان در نبردهای صدر اسلام بوده است. پیامبر اسلام (ص) برای استقرار حکومت الهی با اعمال مدیریت متناسب نظامی - دفاعی از طریق ابداع و کاربرد

مسلم نمی‌شد، اقدام نمی‌کرد. در جریان محاصره مدینه و هجوم احزاب، منافقان و ستون پنجم دشمن شایعات زیادی پخش کردند از جمله نقض عهد و پیمان بنی‌قریظه را که در تضعیف روحیه مسلمانان مخصوصاً تازه‌مسلمان‌هایی تأثیر نبود، پیامبر (ص) فوراً دست‌به‌کار شدند و ضمن برنامه تخریبی در روحیه دشمن، دستور داد تا در جریان خبر نقض عهد بنی‌قریظه تحقیق کنند. پیامبر (ص) چند نفر را برای تحقیق فرستاد و فرمود اگر راست بود، طوری با کنایه به من بگویید که تنها من بدانم و در بین مردم آشکار نگویید، ولی اگر دروغ بود و بر پیمان استوار بودند، آشکارا اعلان کنید که همه بفهمند. پس از تحقیق آن‌ها آمدند و گفتند. پیامبر (ص) فرمود «الله اکبر ابشروا یا معشر المسلمین» با اینکه خبر از نقض عهد آنان بود، پیامبر (ص) تکبیر گفت و به مسلمانان بشارت داد که خود گویای اسرار تازه‌ای است.

۱۲- واکنش سریع: عمل واکنش سریع از روش‌های جنگی بسیار کارآمدی است که سبب تقویت روحیه رزمندگان و هجوم ناگهانی بر دشمن و تخریب روانی او می‌شود. پیامبر اسلام (ص) لشکریانش را طوری پرورش نداده بود که تنبلی و تن‌آسایی پیشه سازند و امور را به یکدیگر واگذارند، بلکه همواره آن‌ها را به هوشیاری و ایجاد استحکامات در برابر دشمن دعوت می‌کرد و جود نازنین ایشان بهترین نمونه مقابله سریع با دشمنان اسلام محسوب می‌شد. نبی مکرم اسلام (ص) فرماندهان و سربازان را به گونه‌ای تربیت کرده بود که بتوانند با سرعت به‌طرف منبع خطر حرکت کرده و توطئه را از ابتدا نابود سازند. رساترین دلیل ادعای فوق این است که در همه نبردهای اسلام، دشمنان بدون آمادگی با هجوم ناگهانی مسلمانان روبه‌رو می‌شدند و ناگزیر اموال و سرزمین خود را رها کرده و از صحنه کارزار متواری می‌شدند (الصفار، ۱۳۸۳: ۳۸).

«یجاد تفرقه در سپاه دشمن»، «تسلط بر نیرو و امکانات دشمن»، «تعیین جانشین هنگام عزیمت به جنگ‌ها»، «انتخاب شعارهای مناسب در جنگ»، «انتصاب افراد شایسته در جایگاه‌های مناسب»، «سامانه صفوف منظم»، «حفر خندق»، «سامانه دژهای جاندار» و ... از دیگر راهکنش‌های جنگی پیامبر (ص) بود.

شیوه‌های نوین راهبردی و راهکنشی - که در آن شرایط جزیره‌العرب بدیع و نوین بود - علاوه بر حفظ مسلمانان و حکومت اسلامی، درس‌ها و آموزش‌های سودمندی ارائه دادند که سال‌ها بعد و حتی امروزه راهنمای مسلمانان و حتی جوامع غیرمسلمان در عرصه‌های نظامی قرار گرفته است. در مجموع اینکه، دوران بیست‌وسه‌ساله تأسیس حکومت پیامبر (ص) دورانی متلاطم و همراه با مبارزه بوده، مبارزه‌ای که در نهایت توانست دین مبین اسلام را نه تنها در شبه‌جزیره عربستان، بلکه در سراسر جهان بگستراند و اینها همه مدیون تفکر، تأمل، تحمل و خلاقیت پیامبر اکرم (ص) و یاران باوفای ایشان بوده است.

منابع و مآخذ

- ۱- قرآن کریم.
- ۲- آرایش جنگی در نبرد بدر و سیستم قلاع متحرک (استراتژی و تاکتیک در نبردهای پیامبر (ص) (۱۳۶۱)، نشریه جهاد، سال دوم، ش ۳۶.
- ۳- ابوزهره، محمد، (۱۳۷۳)، محمد (ص)، خاتم پیامبران، ترجمه حسین صابری، جلد اول، مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
- ۴- احمدالعلی، صالح، (۱۳۸۱)، دولت رسول خدا (ص)، ترجمه هادی انصاری، قم: پژوهشکده حوزه و دانشگاه.
- ۵- الصفار، سالم، (۱۳۸۳)، سیره پیامبر (ص) در رهبری و انسان‌سازی، ترجمه غلامحسین انصاری، تهران: شرکت چاپ و نشر بین‌الملل وابسته به انتشارات امیرکبیر.
- ۶- باقری، مصباح‌الهدی، (۱۳۸۰)، «جنبه‌های از مدیریت بحران پیامبر اکرم (ص) با تأکید بر موارد خاص: چهار غزوه (بدر) (احد) (احزاب) (تبوک)»، پژوهشنامه حقوق اسلامی، شماره ۳ و ۴.
- ۷- بجنوردی، احمد، (۱۳۶۲)، «استراتژی و تاکتیک در جنگ‌های پیامبر (ص)»، سروش، سال پنجم، ش ۲۳۰.
- ۸- پیشوایی، مهدی، (۱۳۸۲)، تاریخ اسلام از جاهلیت تا رحلت پیامبر (ص)، قم: نشر معارف.
- ۹- سبحانی، جعفر، (۱۳۷۶)، فروغ ابدیت؛ تجزیه و تحلیل کاملی از زندگانی پیامبر اکرم (ص)، جلد اول، قم: مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
- ۱۰- سپهری، محمد، (۱۳۹۳)، بررسی سیاست نظامی پیامبر اکرم (ص)، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، دانشکده ادبیات و علوم انسانی.
- ۱۱- سرتو؛ ساموئل، پیتر؛ پائول، (۱۳۸۰)، «مدیریت استراتژیک»، ترجمه علی شمخانی، تهران: دانشکده فرماندهی و ستاد و دوره عالی جنگ سپاه پاسداران.
- ۱۲- سیدی، حسین، (۱۳۸۵)، ناگفته‌هایی از زندگی و شخصیت پیامبر اکرم (ص)، قم: انتشارات خادم‌الرضا (ع).
- ۱۳- شریعتی، روح‌الله، (۱۳۸۵)، «گفتمان امنیتی پیامبر اعظم (ص)»، فصلنامه علوم سیاسی، سال نهم، شماره ۳۳.
- ۱۴- حسینی، علی‌اکبر، (۱۳۶۱)، «تاکتیک‌های جنگی پیامبر (ص)»، درس‌هایی از مکتب اسلام، سال ۲۲، شماره ۵.
- ۱۵- جلیلی، سعید، (۱۳۷۴)، سیاست خارجی پیامبر (ص)، تهران: انتشارات سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۱۶- جعفری، سیداصغر، (۱۳۹۷)، «اصول ممنوعه نظامی در مخاصمات مسلحانه مبتنی بر سیره نبوی»، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۳۰.
- ۱۷- خلیلی، رضا، (۱۳۹۰)، «تحول تاریخی «گفتمانی مفهوم استراتژی»»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۵۸.
- ۱۸- قائدان، اصغر، (۱۳۸۵)، «مدیریت و رهبری پیامبر (ص) در عرصه‌های نظامی»، فصلنامه مطالعات بسیج، سال ۹، شماره ۳۱.
- ۱۹- قرآنتی، محسن، (۱۳۸۵)، سیره پیامبر اکرم (ص) با نگاهی به قرآن کریم، تهران: مرکز فرهنگی درس‌هایی از قرآن.
- ۲۰- فیروزی؛ سعید، حسینی؛ سید هدایت‌اله، (۱۳۹۹)، «بررسی اهمیت اصل غافلگیری در جنگ‌های پیامبر اکرم (ص) و کاربرد آن در عصر حاضر»، دوفصلنامه پژوهش‌های علوم نظامی دانشگاه امام حسین (ع)، سال اول، شماره ۲.
- ۲۱- کرمی، فیروزه، (۱۳۹۸)، «جلوه‌هایی از پدافند غیرعامل در راهبردهای دفاعی قرآن مجید و سیره نبوی»، پژوهشنامه معارف قرآنی، ش ۳۷.



- ۲۲- دانش آشتیانی، محمدباقر، (۱۳۸۴)، «نظام جامع مدیریت راهبردی دفاعی - امنیتی (نظامی)»، فصلنامه مطالعات دفاعی استراتژیک، سال هفتم، شماره ۲۱.
- ۲۳- دلشاد تهرانی، مصطفی، (۱۳۸۳)، سیره نبوی؛ منطق عملی، تهران: نشر دریا.
- ۲۴- درویشی سه‌تلانی، فرهاد، (۱۳۹۰)، درباره جنگ و استراتژی، قزوین: انتشارات آذرمدیخت و اندیشه زرین.
- ۲۵- مرتضی‌عاملی، سیدجعفر، (۱۳۸۴)، سیرت جاودانه (ترجمه و تلخیص الصحیح من سیره النبی الاعظم (ص)، ترجمه محمد سپهری، جلد دوم، تهران: نشر پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.

